

آتیه‌نو بررسی می‌کند

کمبود مواد اولیه؛ مشکل اصلی بنگاه‌های کوچک

گزارش

۲۱ مردادماه هر سال با نام روز «حمایت از صنایع کوچک و متوسط» در ایران گرامی داشته می‌شود. این روز که با هدف توجه به این واحدهای صنعتی در تقویم ملی نامگذاری شده و قرار گرفته، بهانه‌ای شد تا به سراغ واحدهای کوچک و متوسط برویم و چالش‌های مبتلا به این واحدها را بررسی کنیم. آن طور که فعالان رشته‌های صنعتی مختلف می‌گویند، چالش کمبود و گرانی ماده اولیه که ناشی از تغییرات قیمت دلار و صدور مجوز برای صادرات و سیاستگذاری نامناسب در حوزه صنعت است، واحدهای کوچک و متوسط یا همان (SME) ها را دچار مشکل کرده است. متولیان واحدهای کوچک و متوسط بر این باورند که به دلیل وجود این مشکلات، بخشی از واحدهای از چرخه تولید خارج شده‌اند.

نگاه



حمیدرضا صالحی

نایب‌رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران

جذب سرمایه با واحدهای کوچک و دانش‌بنیان

چند سالی است شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به طوری که دولت و به طور کلی حاکمیت کشور به این موضوع توجهی جدی دارند که این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. از سویی، تشکلهای و همچنین اتاق‌های بازرگانی شهرستان‌ها و همچنین اتاق ایران نیز در این زمینه ورود جدی داشته و به حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط یا همان (SME) ها همت گماشته‌اند و از سویی دیگر با توجه به ابعاد این شرکت‌ها، صنایع کوچک و متوسط می‌توانند در زمینه تأمین مالی نسبت به صنایع بزرگ راحت‌تر اقدام به تأمین مالی اقدام کنند که این مسأله در توسعه این دست از شرکت‌ها بسیار مؤثر است. همچنین واحدهای کوچک و متوسط؛ بخصوص شرکت‌های دانش‌بنیان توانسته‌اند با جذب سرمایه در حوزه فناوریانه حضور یابند که این موضوع به اقتصاد کشور می‌تواند کمک بسیار شایانی کند. در این رابطه حتی شرکت‌های دانش‌بنیان در مقیاس کوچک و متوسط می‌تواند به‌رغم تحریم‌های بانکی و سایر موانعی که وجود دارد، زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با توجه به جذابیتی که دارند، فراهم آورند که این موضوع در شرایطی که اقتصاد ملی ایران تشنه جذب سرمایه‌گذاری ارزی است از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین امروزه بسیاری از افراد نجبه در صنایع مختلف هستند که قصد دارند کسبو کار مخصوص به خود را داشته باشند، باید از این افراد که سال‌های سال در صنایع و شرکت‌های بزرگ کشور فعالیت کرده‌اند و به نوعی کشور برای آنها هزینه کرده، به نحو احسن استفاده کرد. در این رابطه از این کارآفرینان هم باید از نظر مالی با اعطای تسهیلات حمایت کرد و هم در راننداری کسبو کار، شرایط را برای اخذ مجوزهای لازم فراهم کرد، زیرا این افراد با تأسیس واحدهای کوچک و متوسط می‌توانند اشتغالزایی مناسبی را به وجود بیاورند.

اگر شرکت‌های کوچک و متوسط بتوانند در مسیر رشد و توسعه قرار گرفته، آن زمان این واحدها می‌توانند در زنجیره خلق ارزش افزوده در کنار شرکت‌ها و صنایع بزرگ قرار گیرند؛ اتفاقی که سال‌هاست در کشورهای پیشرفته رخ داده و می‌تواند در کشورمان نیز موضوع محقق شود. قدر مسلم اینکه اگر این زنجیره خلق ارزش افزوده با حضور واحدهای کوچک و متوسط تثبیت شود، رشد اقتصادی هشت درصدی که در اسناد بالادستی به آن اشاره شد، می‌تواند به صورت پایدار محقق شود که البته این کار نیاز به یک برنامه‌ریزی برای استفاده از پتانسیل شرکت‌های کوچک و متوسط دارد.



نام واحدهای کوچک و متوسط (SME) از سال ۱۳۴۳ وارد ادبیات صنعتی ایران شد. در آن سال‌ها سازمان نواحی صنعتی به منظور برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مربوط به نواحی صنعتی کشور تأسیس شد و این ساختار به تدریج تغییر کرد تا در سال ۱۳۸۴ سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران شکل گرفت. این سازمان متولی امور مربوط به واحدهای کوچک و متوسط است. در تقویم رسمی نیز ۲۱ مردادماه برای توجه بیشتر به این واحدهای صنعتی ثبت شد و هر سال در این روز به مسائل و مشکلات واحدهای کوچک و متوسط پرداخته می‌شود. در این گزارش قصد داریم بررسی کنیم در شرایط این روزهای ایران و تحت ظالمانه‌ترین تحریم‌ها، آیا این واحدها توانسته‌اند در اقتصاد نقش خود را ایفا کنند و مهمترین چالش‌های آنها کدام است؟



لیلامرگن

روزنامه‌نگار

افزایش قیمت مواد اولیه؛ مهمترین چالش

آن طور که امیر جلوانی مدیرعامل اتحادیه بازرگانی

صاحبان حرف تولیدی کشف و جوراب و رسته‌های وابسته به آتیه‌نو می‌گوید افزایش قیمت ماده اولیه مهمترین چالش اعضای این اتحادیه است. او اضافه می‌کند: «مدتی است تولیدکنندگان، مواد اولیه موجود در بازار را پس می‌زنند و متأسفانه کسی پاسخگوی این وضعیت نیست». جلوانی با اشاره به نام‌نگاری‌های متعدد اتحادیه برای حل مشکل تولیدکنندگان عنوان می‌کند: «اعضای ما چند نوع نخ استفاده می‌کنند که قیمت آن اکنون سه برابر شده است. به دلیل افزایش قیمت خرید، کسی اقدام به تهیه ماده اولیه نمی‌کند. من یک سال و نیم قبل مواد اولیه مورد نیاز صنعت را با بالاترین قیمت خریدم. آن زمان نخ کیلویی ۱۲۲ تومان بود. این نخ را تبدیل به پارچه کردیم و برای تولید محصول به تولیدکننده دادیم، اما متأسفانه محصولات تولید شده با قیمت ماده اولیه سال قبل هم هنوز فروش نرفته است.» به گفته او، توقف واردات به دستور وزارت صمت باعث

می‌شود نرخ مواد اولیه‌ای که بیشترین قیمت آن ۱۳۰ تومان بود به یکباره توسط تولیدکنندگان نخ به ۲۰۵ تومان به ازای هر کیلو گرم برسد، در حالی که تولیدکننده داخل باید این محصول را به ازای هر کیلو گرم ۱۱۸ تا ۱۲۵ هزار تومان می‌فروخت. از آنجا که تولیدکنندگان، نخ گران شده را خریداری نمی‌کنند، تولیدکننده داخلی ناگزیر می‌شود قیمت ماده اولیه صنعت را به ۱۹۰ هزار تومان برساند، اما همچنان بازار قفل است و کسی اقدام به جذب ماده اولیه یعنی نخ نمی‌کند.

فروش سرمایه برای تأمین نیازها

مدیرعامل اتحادیه بازرگانی صاحبان حرف تولیدی کشف و جوراب و رسته‌های وابسته می‌گوید: «در حال حاضر مزد کارگر افزایش و هزینه‌های جانبی این صنعت که در گذشته حدود ۲۷ درصد بود حدود ۴۴ یا ۴۵ درصد افزایش یافته است، به همین خاطر از بهمن و اسفندماه سال گذشته تولیدکننده‌ها سرمایه خود را می‌فروشد». او اضافه می‌کند: «تولیدکننده‌ای که نخ خود را تبدیل به محصول کرده، باید نخ جدید خریداری کند و جای سرمایه قبلی بگذارد اما مواد اولیه و هزینه‌های سربار حدود ۴۵ تا ۶۰ درصد افزایش قیمت داشته، در حالی که محصول تولید شده را با این میزان افزایش قیمت خریداری نمی‌کنند.» به گفته جلوانی، قیمت ماشین‌آلات بسیار افزایش یافته و اگر پنج سال قبل یک ماشین بافندگی ۲۵۰ میلیون تومان قیمت داشت امروز نرخ آن به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسیده است. قطعات ماشین‌آلات برای تعمیرات نیز با مشقت زیاد وارد کشور می‌شود و بسیار افزایش قیمت داشته است. او ادامه می‌دهد: «کارخانه‌ای که ۶۰ دستگاه ماشین بافندگی دارد، بین یک تا پنج دستگاه ماشین آن کار می‌کند. این کارخانه بین ۳۰ الی ۹۰ کارگر داشته که سه شیفت کار می‌کردند اما امروز تعداد شیفت‌ها تبدیل به یک شیفت شده و کارگران کارگاه‌ها به مرور کم شده و کارفرمایان برخی از آنها را باز خرید کرده‌اند. کارگران نیز شکایت کرده و معضلاتی از این دست برای واحد تولیدی ایجاد می‌کنند.» او وضعیت واحدهای یک و دو چرخ را نامناسب توصیف کرد و دلیل این مشکلات را فعالیت مافیاء

واردات بیش از حد از خارج، قاچاق و دیگر مسائل عنوان می‌کند.

صادرات ام‌دی‌اف با وجود واردات

داوود رجبی مدیرعامل اتحادیه بازرگانی شرکت‌های تعاونی‌های صاحبان حرفه درودگران و مبل‌سازان نیز درباره مشکلات اعضای اتحادیه به آتیه‌نو می‌گوید: «بیشترین مشکل ما مربوط به کمبود مواد اولیه است. قیمت مواد اولیه داخلی بسیار بالا رفته و صدور مجوز صادرات از سوی وزارت صمت نیز بر مشکلات بخش تولید برای تأمین ماده اولیه افزوده است.» به گفته وی، اعضای این صنف، ام‌دی‌اف و چوب مصرف می‌کنند. اگر چه تاکنون صادرات (MDF) خام ممنوع بوده اما سه ماه است که با دستور وزارت صمت به تولیدکنندگان داخل اجازه صادرات ۳۰ درصد از تولیدات‌شان را داده‌اند.

رجبی می‌گوید: «ایران خود تاکنون واردکننده (MDF) بوده اما محصول وارداتی از انواع داخلی، کیفیت بهتری داشته و از نظر قیمت نیز این دو محصول تفاوت چندانی با هم ندارند.»

او راه‌حل مشکل صنعت درودگران و مبل‌سازان را توقف صادرات دانسته و ادامه می‌دهد: «اگر دولت بتواند درصدی از مواد اولیه را در اختیار تعاونی‌ها قرار دهد تا از طریق تعاونی توزیع و جلوی سفته‌بازی و دلال‌بازی گرفته شود، بخشی از مشکلات حل خواهد شد.» مدیرعامل اتحادیه بازرگانی شرکت‌های تعاونی‌های صاحبان حرفه درودگران و مبل‌سازان با اشاره به افزایش قیمت ماشین‌آلات می‌گوید: «یک دستگاه (CMC) خوب بالای یک میلیارد تومان قیمت دارد. برای تعمیر و نگهداری دستگاه‌ها یکسری شرکت‌ها خدمات ارائه می‌دهند، اما قطعانی که می‌آید به خاطر افزایش قیمت دلار بسیار گران است و این مسأله هزینه تعمیرات را بالا می‌برد.» به گفته او، در حال حاضر تمام قطعات ماشین‌های صنعت مبل‌سازان از چین تأمین می‌شود، در حالی که در گذشته از ایتالیا تأمین می‌شد، اما به دلیل تحریم‌ها و غیره، بیشتر محصولات از چین می‌آید. رجبی در پایان اختصاص وام کم‌بهره به واحدهای کوچکتر و پخش ماده اولیه از طریق تعاونی‌ها را مهمترین اقدام کمکی دولت به این صنف توصیف کرد.

۴۰ درصد اشتغال بخش صنعت مدیون واحدهای صنعتی پایین دستی است

بهبود شاخص رفاه با کمک واحدهای کوچک و متوسط

گزارش

بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) واحدهای تولیدی – تجاری هستند که در طبقه‌بندی شرکت‌ها به لحاظ اندازه در مراتب پایین‌تری نسبت به شرکت‌های بزرگ قرار می‌گیرند. بر اساس تعاریف موجود در ایران، به واحدهایی با ظرفیت بین ۵ تا ۵۰ نفر شاغل واحد کوچک و متوسط گفته می‌شود. آن طور که احسان سلطانی کارشناس اقتصادی می‌گوید واحدهای کوچک و متوسط ۵۲ درصد ارزش افزوده ایجاد شده در بخش صنعت و ۴۰ درصد اشتغال این بخش را به خود اختصاص می‌دهند. به اعتقاد او، استان‌های دارای واحدهای کوچک و متوسط از نظر شاخص‌های رفاهی نسبت به دیگر استان‌ها وضعیت بهتری دارند.

کرده به یک توسعه‌یافتگی بیشتری رسیده‌اند. این در حالی است که توسعه‌یافتگی رابطه مستقیمی با رشد واحدهای کوچک و متوسط دارد. او ادامه می‌دهد: «جالب است بدانید واحدهایی با ۱۰ نفر کارکن به بالا در بخش پایین‌دستی صنعت (که البته بخش کوچکی از واحدهای بزرگ را هم شامل می‌شود) ۹۳ درصد از تعداد واحدهای صنعتی کشور را شامل می‌شوند. ۴۰ درصد از ارزش تولیدات متعلق به این واحدها است.» سلطانی ادامه می‌دهد: «این واحدها ۸۵ درصد اشتغال را دارند، ۹۳ درصد تعداد واحدهای صنعتی را شامل می‌شوند و ۵۲ درصد ارزش افزوده تولید؛ یعنی بیش از نیمی از ارزش افزوده تولید، متعلق به فعالیت این واحدها است اما با وجود نقشی که این واحدها دارند، سهمی که باید در اختیار داشته باشند را در اختیار ندارند.» او می‌گوید: «توزیع منابع برای این واحدها نامتقارن است. واحدهای کوچک و متوسط پایین‌دستی ۳۷ درصد مصرف انرژی را دارند و بخش عمده مصرف انرژی متعلق به واحدهای بالادستی شامل پتروشیمی، شیمیایی، فولادنگنی و غیره است.»

بهتری دارند.» او اضافه می‌کند: «مثال این استان‌ها، مناطق مرکزی ایران شامل استان‌های قزوین، سمنان، مرکزی، اصفهان و یزد است. این استان‌ها از نظر شاخص‌های رفاهی استان‌های مناسبی هستند. کم بودن اقشار فقیر، اشتغال و تشکیل ثروت در این استان‌ها وضع خوبی دارد.» سلطانی یادآور می‌شود: «با توجه به این یافته‌های توان گفت واحدهای کوچک و متوسط بسیار اهمیت دارند و باید به این مسأله توجه ویژه شود.» او می‌گوید: «در حال حاضر واحدهای کوچک و متوسط در درجه دوم و سوم اهمیت و بعد از واحدهای بالادستی و بزرگ قرار می‌گیرند. واحدهای بزرگ اهمیت بسزایی دارند و همه چیز را آنها تعیین می‌کنند و در نتیجه از منابع و امتیازات سهم بالاتری هم می‌برند.»

ضعیف ماندن بنگاه‌های کوچک و متوسط

به اعتقاد این کارشناس اقتصادی، در ایران بنگاه‌های کوچک و متوسط ضعیف مانده‌اند، در حالی که استان‌هایی که واحدهای کوچک و متوسط‌شان رشد

که واحدهای کوچک و متوسط به حساب می‌آیند و بیش از یک میلیون نفر در واحدهای خرد و خانگی مشغول به کار هستند.» به گفته سلطانی، در اقتصاد جهانی اصطلاحی به نام «میانه مفقوده» وجود دارد. یکی از مشکلات بزرگی که در اقتصاد ایران داریم این است که در کشور نقش واحدهای کوچک و متوسط بسیار پایین است و به جای اینکه این واحدها یک بدنه اصلی تشکیل دهند و به کمک اقتصاد بیایند، زیر فشار واحدهای بزرگ تقریباً له شده‌اند. او ادامه می‌دهد: «برای واحدهای کوچک و متوسط گرفتاری‌های مختلفی وجود دارد که این مسأله باعث شده بخش کوچک و متوسط رشد نکنند.»

بهبود شاخص رفاه، ثروت و توسعه یافتگی

این کارشناس اقتصادی عنوان می‌کند: «بررسی‌های مان‌شان می‌دهد در ایران استان‌هایی که دارای ساختار غنی از واحدهای کوچک و متوسط هستند از لحاظ شاخص‌های رفاه، ثروت، توسعه‌یافتگی، کاهش فقر و معیارهایی که در ارتباط با ثروت و رفاه است، وضعیت

کشورهای مختلف بسته به ساختارهای اقتصادی خود، الگوهای مختلفی را برای بخش صنعتی خود تعریف می‌کنند. بنابر به الگوی تعریف شده، نقش و جایگاه واحدهای کوچک و متوسط در اقتصاد کشورها تغییر می‌کند اما این به این مفهوم نیست که کشورها از داشتن واحدهای کوچک و متوسط بی‌نیاز می‌شوند. در بسیاری از کشورها به واحدهایی نیاز است تا این واحدها با تأمین قطعات و یا مواد به کار گرفته شده در زنجیره تولید، چرخ صنایع بزرگ را بچرخانند. با توجه به تعاریف موجود در کشور، واحدهای کوچک و متوسط در اقتصاد ایران چه نقشی دارند؟ احسان سلطانی کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با آتیه‌نو بیان می‌کند: «بر اساس آمارهایی که مرکز آمار و دیگر مراکز ارائه کرده‌اند، حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تا ۳ میلیون نفر شغل در بخش صنعت ایجاد شده است.» او می‌گوید: «بررسی آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد از این تعداد حدود ۹۰۰ هزار نفر در واحدهای بزرگ بالای ۱۰۰ نفر مشغول به کار هستند. حدود ۸۰۰ هزار نفر نیز در واحدهای بین ۱۰ تا ۱۰۰ نفر شاغل هستند

در ایران بنگاه‌های کوچک و متوسط ضعیف مانده‌اند، در حالی که استان‌هایی که واحدهای کوچک و متوسط‌شان رشد کرده به یک توسعه‌یافتگی بیشتری رسیده‌اند